

نقد مصاحبه فوکس آنلاین

با

اعلیحضرت

امیر فیض- حقوقدان

دراواسط نزدیک به تکمیل این تحریر اطلاع حاصل شد که اعلیحضرت درگفتگوی با تلویزیون آقای شهرام همایون، درمورد مصاحبه فوکس آنلاین توضیحاتی فرموده اند که ازجمله آغازاقدامات حقوقی برای دریافت متن مصاحبه از فوکس آنلاین آلمان واقدامات دیگر لازم باشد.

بنابراین با آگاهی و شنیدن بیانات اعلیحضرت درگفتگوی باتلویزیون آقای شهرام همایون، اضافه و حذف مختصری لازم شد که انجام گرفت.

سَمَت این تحریر متوجه تمامی مصاحبه نیست تنها قسمتی که بنظر میرسد ایراد و اعتراض دبیرخانه متوجه آن است هدف این نقد است.

مصاحبه ها بطورکلی متضمن دورکن است یکی رکن مادی و دیگری رکن معنوی، رکن مادی آن همان مصاحبه کننده و مصاحبه شونده است و رکن معنوی آن مربوط میشود به موضوع مصاحبه و هدف نهانی از آن.

مصاحبه و گفتگوی اعلیحضرت دربرنامه فوکس آنلاین برخلاف همه مصاحبه ها که رکن مادی آن محدود به مصاحبه کننده و مصاحبه شونده است یک سوم شخص هم خود را داخل کرده که دبیرخانه است، که وارد موضوع شده و مصاحبه را نا اصل معرفی کرده است، بدون اینکه اصل آنرا ارائه دهد و یا ناقل قول مصاحبه شونده باشد.

مصاحبه کننده که فوکس آنلاین باشد ازاصالت مصاحبه دفاع کرد و نیز درتحریرات کسانی، به دخالت نادرست و ادعای بی دلیل دبیرخانه اشاره شد ولی دراین ماجرا و کشمکش از مصاحبه شونده سخنی درمیان نیامد.

خوشبختانه هم امروز اعلیحضرت درگفتگوی باکانال تلویزیون آقای شهرام همایون، همانطور که درابتدای این تحریر اشاره شد دراین ماجرا بعنوان مدعی حضور یافته اند.

سکوت چند روزه اعلیحضرت میتواندست قرینه ای باشد براینکه عمل دبیرخانه وارد بر مصاحبه است و همچنین میتواندست دلیلی باشد برآزدگی خاطر اعلیحضرت به مداخله نادرست و قییم بازی دبیرخانه ولی با توضیحاتی که فرمودند میتوان به این تشخیص موقتی رسید که عمل دبیرخانه وارد بر مصاحبه است یعنی اعلیحضرت هم، عقیده دارند که متن مصاحبه آنچنان که بوده پخش نشده است.

این تحریر میخواهد به ماهیت و اعتباربخش مهم مصاحبه که برای دبیرخانه غیرعادی تشخیص شده است بپردازد تا شاید به این مقصود برسد که آنچه که بیان غیرعادی در آن مصاحبه منتسب به اعلیحضرت شده است، بیانی غیرعادی و بی سابقه نیست و به دلیل همان سابقه مشخص و مسلم، تکذیب و یا آزادی از بیبیا آنهم از سوی اعلیحضرت موجه نمیشود.

اکنون به اتفاق بسوی مقصود میرویم.

۱- درپاسخ به سوال مصاحبه کننده که: آرزو دارید روزی تاج شاهی را بر سر بگذارید؟

اعلیحضرت فرموده اند «صد البته برای من هیچ چیز از این بهتر نیست که با همه آنچه در اختیار دارم به کشورم خدمت کنم.»

این بیان اعلیحضرت یک بیان تازه و بی سابقه نیست که بحث اصالت و یا عدم اصالت آن قابل طرح باشد، هرچیز که سابقه طرح دارد و با اعتراض مواجه نشده، زمینه استقرار اصالت آن طرح را تا حدودی فراهم میسازد البته با رعایت شروطی.

اعلیحضرت بارها و بارها در استفاده از همه امکانات سلطنت برای نجات و خدمت به کشور بیانات صریح و آموزنده داشته اند و حتی در تاکید بر این مهم فرموده اند حاضریم جاتم را هم در راه میهن بدهم و عملا هم این آمادگی را بصورت اعلامیه ای در حمله به عراق به ایران نشان دادند.

در بیان اعلیحضرت جمله «آنچه در اختیار دارم به کشورم خدمت کنم» سخن بسیار با سابقه ای است که نشان میدهد ایشان سلطنت را سرمایه خدمت به کشور و مردم میدانند. در پیام فروردین ماه سال ۶۲ ایشان آمده است.

«یگانه شوری که در سردارم، دیدار خاک پاک ایران است نه به شوق شکوه و عظمت، (سلطنت) بل به عشق گسیختن زنجیر اسارت تا همه با هم به آزادی برسیم، فارغ از ترس، فارغ از بیکاری، فارغ از متجاوزان به دین و عقیده و جان و مال. ایستاده ام تا چون هزاران هزار ایرانی دیگر که جان خود را فدای وطن میکنند در پیشگاه خداوند و گذشتگان و آیندگان مسئولیت سنگینی بر عهده داریم. بقای ایران برتر از جان، در دست ماست»

من بعنوان پادشاه و وارث پادشاهی، خارج از حوزه قانون اساسی هیچگونه برتری خاصی که بر اراده ملت تکیه نداشته باشد برای خود نمی شناسم»

از این نمونه ها بسیار، بسیار است که همه آگاهند و ذکر آنها سبب طول تحریر میگردد.

در سخن و بیان اعلیحضرت در مصاحبه با فوکوس آنلاین چه چیزی میتوان یافت که از اصالت برخوردار نباشد؟ هر کلامی که متکی به نص و قانون باشد اصیل است، بین دو گفته که تعارضی مشهود است اگر هر دو سخن متکی به نص و قانون و یا شرع و سنت نباشد هر دو نا اصل و نظر شناخته میشوند و بین بیانات اعلیحضرت در مصاحبه مزبور آنچه که سالهای بعد آن، گهگاه فرموده اند که بر پایه نص یعنی قانون اساسی و متمم و سنت سلطنت و مشروطیت نبوده نظر و در مقابل سخنان متکی به نص ایشان بی اعتبار و فقط یک نظریه موسمی تلقی میشود.

تعارض مشهود

البته که تعارضاتی در بیانات اعلیحضرت در مقام تطبیق در سالهای آغازین مبارزه دهه ۶۰ و بعد آن وجود داشته است که بیانات ایشان در سالهای نخستین متکی بر قانون اساسی مشروطیت و سنت بوده است و در سالهای بعد متأسفانه نبوده است و همه کوشش سلطنت طلبان [طرفداران نظام پادشاهی] در محدوده این مهم مصرف میشد که ایشان به موضع قانونی و هویتی خودشان بازگشت بفرمایند.

سوال تطبیقی میتواند این باشد - پدیری بهر دلیلی نسبت به فرزندان خود ناراضی است و عباراتی هم که نمایانگر عدم محبت و ارتباط قلبی بین او و فرزندانش هست بیان میکند. آیا اگر روزی آن پدر بهر دلیلی به اصل خود یعنی محبت پدر و فرزندی بازگشت و سخنی گفت که با اصل محبت ذاتی و ریشه ای رابطه پدر فرزندی هماهنگی داشت باید آن سخنان اصیل متکی به نص رابی اصل و مورد اعتراض قرارداد؟ و یا در اصالت آن تردید کرد؟

پایه و اساس کوشش بشریت بازگشت انسانها به اصالت و راستی و تبعیت از نص است. ویکتور هوگو، بازگشت به اصالت و راستی، و ترک کژی و کاستی راستوده و توصیه کرده است. شعرا و حکمای مالیرانیان بهمچنین، و حقوق مدون و حقوق اسلامی نیز بهمچنین.

به اختلاف زمان و مکان زهم جدانشوند جماعتی که شدند از اول بهم مانوس (دکتر افشار- افغان نامه)

واکنش مخالفین سلطنت

البته نباید انتظار داشت که مخالفین سلطنت نسبت به بیانات اعلیحضرت در مصاحبه مزبور واکنش های تند و خشم آلود نشان ندهند چراکه تصورات فکری خود ساخته آنان، کمی متزلزل میشود ولی آنها باید از ساده انگاری خودشان خشمگین باشند که درک قدرت معنوی جریان کهن ۲۵۰۰ ساله سلطنت را نمیکند.

حکیم مولوی فصل مبسوطی در حالت طبیعی گرایش افراد به اصل خود دارد که میتوان آنرا در بیت زیر یافت:

حرکی کورماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

در طول سالهای مبارزه کشمکش در تضاد و موقعیت حقوقی و سیاسی و هویتی اعلیحضرت همچنان وجود داشته است و این اولین بار نیست که اعلیحضرت به موقعیت اصیل و قانونی خود التفات رجوع نشان میدهند، مواردی در سابق هم بوده که سلطنت طلبان آنرا به فال نیک گرفته و آنرا مزده مورد انتظار تلقی کردند که در آن مورد سنگر از این بیت هم برای اهمیت موضوع و تکلیف [طرفداران نظام پادشاهی] سلطنت طلبان نسبت به گرایش اعلیحضرت به موضع حقوقی و قانونی استفاده نمود.

مزده ای یاران که شاه آمد به خط خط قائم بر تداوم ناسخ هر ربط و خط

بشکنید هر پل ز راه بازگشت حکم حق بر ما چنین تکلیف گشت

ولی همانطور که میدانید بازگشت اعلیحضرت بنحقی نگرانید و مورد حاضر نیز خارج از موارد استثنائی گذشته نخواهد بود به اعتبار همین آگاهی سلطنت طلبان است که بیانات اعلیحضرت در مصاحبه مزبور با آنکه نوید بازگشت ایشان را به مسیر قانونی سلطنت میداد از سوی سلطنت طلبان، آنطور که انتظار میرفت مورد استقبال قرار نگرفت.

۲- سوال دیگر فوکوس آنلاین

فوکوس آنلاین پرسش دوم خود را چنین مطرح کرده است:

<کوتاه زمانی بعد از درگذشت پدرتان در مصر شما در مصر به جانشینی او برگزیده شدید>

پاسخ اعلیحضرت چنین است:

«این مراسم در بیستمین زادروز من برگزار شد. طبق قانون اساسی ما، میبایستی به این سن رسیده باشم تا بتوانم شاه شوم البته بعد میبایست در مجلس هم سوگند پادشاهی یاد میکردم بنابراین میتوان گفت که بنابر قانون اساسی شاه ایرانم»

گرچه پاسخ اعلیحضرت نقل قول و تشریح قانون اساسی مشروطیت است ولی اسناد سیاسی مبارزه خاصه بیانات مکرر ایشان نشان میدهد که با قاطعیت تمام اجرای متمم قانون اساسی را در مورد انتقال سلطنت و تصدی آن قبول فرموده اند از باب نمونه؛

اعلیحضرت در مقابل این سوال مجله پاری ماچ که «بر اساس گزارشها قرار است روز ۲۱ اکتبر روزی که شامبه سن قانونی میرسید از طریق دفتر خود پیامی برای ملت ایران بفرستید، اگر قدرتهای بزرگ از طریق پرزیدنت سادات از شما بخواهند که از ارسال پیام خودداری کنید چه خواهید کرد؟>

پاسخ اعلیحضرت چنین است:

«روزنهم آبان ۱۳۵۹ من براساس قانون اساسی ایران جانشین پدرم خواهم شد این یک اصل قانونی است که هیچکس نمیتواند در آن تغییر دهد.....»

در پیام نهم آبانماه، «بر مبنای قانون اساسی و متمم آن امامی برای قبول تعهدات و مسئولیتهای خود را بعنوان پادشاه قانونی ایران اعلام داشته اند»

در ابتدای اولین پیام نوروزی اعلیحضرت به ملت ایران آمده است:

«..... برای نخستین بار در زندگی خودم، در مقام پادشاه ایران این عید بزرگ باستانی را از صمیم قلب به شما شاد باش میگویم.....»

در مصاحبه با پاری ماچ میفرمایند:

«پس از آنکه در تاریخ سی و یکم اکتبر مسئولیتهای خود را پذیرفتم علی الحساب شاه ایران هستم.....»

در اینجا ما میایم از ایجاد این سوء تفاهم جلوگیری کنم که قانون اساسی پیش بینی نکرده که اصل سلطنت به سوال گذارده شود - ایران یک کشور پادشاهی است و در آن پسر جانشین پدر میشود بنابراین امکان هیچ سوء تفاهم و یا تعبیری نباید وجود داشته باشد»

مقصود از ارائه این نمونه ها از بین صدها نمونه این است که اعلیحضرت در مصاحبه فوکس آنلاین، مطلب نا هموار و نا موزونی فرموده اند که یکبار زلزله شده و بیش از همه دبیرخانه را لرزاند است.

۳- سومین سوال

سومین و آخرین سوالی که مانند رعد و برق سبب جهش قارچهای سمی از زمین مبارزه شده است این است:

فوکس آنلاین - میتوانید تصورش را بکنید که دست از خواسته های سیاسی خود بردارید و تنها مانند یک فرد معمولی زندگی کنید؟

اعلیحضرت میفرمایند - «فکر میکنید که مثلا هوادارانم چنین چیزی را میپذیرند؟ اینان زندگی را بر من جهنم خواهند کرد و من را خائن خواهند دانست بنابراین من برخلاف خواهران و برادرانم اصولا چاره دیگری ندارم و از این رو **تصمیم** گرفته ام این نقشی را که **سرنوشت** برایم رقم زده است **خیلی جدی** بگیرم **و گرنه نمیتوانم به چشمان خودم نگاه کنیم**»

سرنوشت، را اعلیحضرت قبلا در مصاحبه های دیگر چنین تعریف فرموده اند:

«من به اختیار خودم ولیعهد نشده بودم. دست خودم نبود که بعنوان فرزند دُکور پادشاه بانام خانوادگی پهلوی به دنیا آمده ام **سرنوشت** چنین خواسته و در حقیقت این **وظیفه را سرنوشت** بر عهده من گذاشته است.»

عبارت **<خیلی جدی>**، در بیان اعلیحضرت گویای حقیقتی اندوهناک است چرا که رساگران است که اعلیحضرت تاکنون رسالت تاریخ و هویت نهاد پادشاهی کهن و مشروطیت و قانون اساسی و متمم آن را شوخی و یا لاقول اصیل و جدی نمیدانسته اند و امروز است که **تصمیم** گرفته اند آنرا جدی و قطعی و حتمی بگیرند.

اعلیحضرت پس از حدود ۲۵ سال این **تصمیم** تاریخی را اتخاذ فرموده اند، مبارکشان و خدای ایران و ایرانیان یار و یاورشان باد.

سخن پرمعنای اعلیحضرت مبنی بر اینکه **<و گرنه نمیتوانم به چشمان خودم نگاه کنیم>** سابقه ای بسیار محکم و گویاتری از ایشان ثبت تاریخ است مقصود آنجاست که فرموده اند:

«عقیده من این است که این نهاد را باید حفظ کرد ملت ما بیش از ۲۵۰۰ سال تاریخ مدون شاهنشاهی دارد این را نمیشود نادیده گرفت – ما باید راه خودمان را بطور قطع روشن کنیم یا باید این ننگ را بپذیریم که سند مرگ سه هزارساله ایران را امضا میکنیم»

معلوم و قطعی است که امضای سند مرگ سه هزارساله ایران بمراتب مهم تر و ننگین تر از نتوانستن در چشمان خود نگاه کردن است.

این سلطنت طلبان [طرفداران نظام پادشاهی] نیستند که اتهاماتی را متوجه اعلیحضرت میکنند که اعلیحضرت عنوان خان به آن داده اند.

بطور حتم تاریخ حیات سه هزارساله شاهنشاهی ایران است که بمناسبت امضای مرگ آن، نه تنها اعلیحضرت بلکه عموم ایرانیان را به ملامت و سرزنش پاک نشدنی متهم خواهد ساخت.

اعلیحضرت بیاد داشته باشند که طرف تصمیم خودشان مبنی بر جدی بودن به رسالتی که سرنوشت مقید ایشان ساخته متوجه همان ایران سه هزارساله در حال نزع است و آن ایران در مانده در حال مرگ، منتظر جدی بودن تصمیم ایشان است.

شهان گفته خود بجا آورند ز عهد و زیمان خود نگذرند

فردوسی

روز ۱۱ جولای ۲۰۱۲ (۲۱ تیر ۲۵۵۱) در برنامه شهرام همایون در گفتگو با اعلیحضرت رضا شاه دوم شهرام همایون می پرسد:

"آیا اگر نظام آینده ایران شاهنشاهی باشد شاهدخت نور پهلوی ولیعهد هستند؟"

پاسخ اعلیحضرت: "هست"